

زنده باد هر مه لین!

در پائیز سال ۱۳۷۱ همراه دو تن دوستی که در ادب و هنر معاصر ما سرشناس هستند جواد مجابی و هوشنگ حسامی، به دعوت یک مؤسسه فرهنگی ایرانی (نشر باران) برای شرکت در سمپوزیومی پیرامون زبان و فرهنگ فارسی رهسپار کشور سوئد شدیم. برنامه رسمی و از پیش طرح ریزی شده ما اجرای سخنرانی و شب شعر در شهر استکهلم بود اما در پی آن دعوت‌هایی نیز از چند شهر دیگر سوئد به ما رسید که در حد مقدورمان توانستیم دو سه مورد آنرا اجابت کنیم. در مجموع، نتیجه کار طرح گزارشی نمونه‌وار از تازه‌های فرهنگ ایران در زمینه شعر، داستان‌نویسی، سینما و تئاتر شد.

تفصیل وقایع نیازمند فرصتی دیگر است که شاید به همت قلم یکی از دوستان همراه سامان پذیرد. اما از دیدگاه شخصی، علاوه بر آشنا شدن با چهره‌های زحمت‌کشی که در دوردست غربت زبان و فرهنگ خود را فراموش نکرده بر شناساندن و شکوفاندن آن دل بسته‌اند. شخص من در این سفر به دو بهره‌ارزنده دست یافت. نخست آشنایی مختصر با نظام اجتماعی کشور سوئد که به نظرم یکی از انسانی‌ترین نظام‌های موجود جهان آمد و با خود اندیشیدم در جهانی که پس از زوال بلوک شرق و بی‌قدر شدن و حتی رسوایی آن فلسفه‌های سیاسی، که مدعای عدالت و انسانیت داشتند اما در عمل چیزی به جز اصل رقابت بی‌رحم اقتصادی و الوهیت پول بر کرسی زمانه نشانادند، سزاوار بود که متخصصان و متفکران ما به مطالعه بیشتری در بنیادهای فکری و



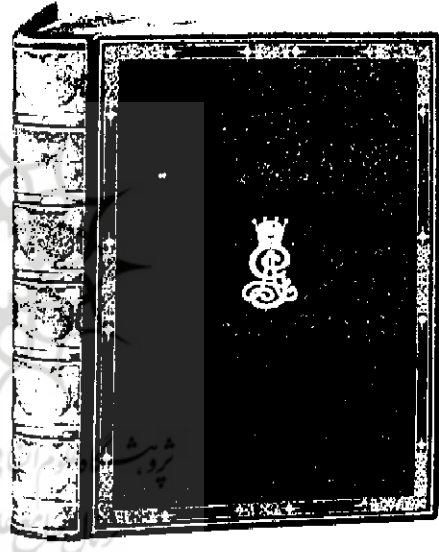
پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات اجتماعی

STUDIO WANG NINGAR

www.grafi.on

عکس روی جلد زندگینامه اریک هرمه‌لین بنام «مارپیچ»

بهره دوم من از این سفر آشنایی با نام و اثر زنده یاد «اریک هرمه‌لین» بود؛ رند عالم سوزی که شیفته زبان و ادب کهن فارسی شد. قلندر عیاری - یادآور خاکسترنشینان و پاک‌باختگان فرهنگ قدیم ما - که شباب و سالخوردگی و عشق و عقل خود را در گرو و ترجمه شاهکارهای ادب فارسی به سوئدی نهاد و بیش از سه دهه آخر عمرش را، در سرای عاشقان و دیوانگان، وقف چنین مجاهدتی کرد. و این نه کاری است خرد؛ ترجمه فردوسی و مولوی و عطار و خیام و نظامی و سعدی و جامی... و منتخباتی از دیگر بزرگان و مفاخر ملی ما، آن هم در قالب و به شیوه‌ای که خیرگان زبان سوئدی کار او را آفرینشی والا در زبان خود بشناسند.



نمونه بوستان سعدی متعلق به پادشاه سوئد
گوستاف آدولف ۱۹۵۰ - ۱۹۰۳

نمونه بوستان سعدی متعلق به ولیعهد سوئد
گوستاف آدولف

به ایرانیان فرهنگ دوست مقیم سوئد یادآوری کردم که تجلیل از خاطره چنین مردی فریضه هر ایرانی است و اینک همین مطلب را به محضر ادیبان و محققان و هنرمندان داخلی می‌آورم. تشکیل کنگره یا جلساتی برای بزرگداشت نام و تعظیم تلاشها و تحلیل آثار هرمه‌لین در ایران و سوئد، به مناسبت پنجاهمین سال درگذشت او، نوشتن اشعار و مقالات، نقاشی و طراحی و تندیس‌سازی از چهره او، و ابداع نشانه‌ای و یادگاری برای گور بی‌روتق او، اگر کمترین وظیفه ایرانیان و دوستان زبان فارسی نباشد پس وظیفه کیست؟ کاری است به تأخیر افتاده، پس آنرا

شروع می‌کنیم و در طلایع حرکت، مقاله‌ای را که «الف. رخساریان» نویسنده ایرانی مقیم سوئد تهیه کرده است در این جا به چاپ می‌رسانیم. از تمامی صاحب‌نظران در این راه یاری می‌جوییم. البته کسی را بر کسی متنی نیست.

اریک هرمه‌لین نه آرزومند و نه محتاج پاداشی از جانب ماست. صاحب‌دلی چون او، با کشف و توضیح پیغام یک فرهنگ دوردست بر نفرین سرتوشت خود چیره می‌شود، یا شاید بتوان گفت به هستی خود و محیط خود، که هر دو زندان اوست، معنایی تازه پیشنهاد می‌کند. این مائیم که مشتاق دیدار اوئیم تا در آینه‌ای که برابرمان می‌نهد بازتاب انسانی فرهنگ‌مان راه در نور و جلایی دیگر، بنگریم. پس او را بیابیم، در اعماق شب سردش که آزرده و بیمار، با تن لرزان و پلکهای برآماسیده، از خوابی آشفته می‌پرد. آیا خطابی موهوم شنیده؟ دعوتی از ناگجا آباد؟ «روز دیگر... رنج دیگر» از بستر برمی‌خیزد و به پنجره نزدیک می‌شود. لبهای پنجره به سوی شب پرزمزه می‌گشاید و آواز گنجشکان، که او را صدا می‌زنند، اتاقش را می‌آکنند. این بیداری در ساعت بیگانه‌آسایشگاه، برای اجابت دعوت نیازمندان، آیا رسالتی نیست؟ تجلی قدیسی در برابر زائران؟ او دیگر نه بیمار که فرزانه عصر خویش است. تنها و بی‌هم‌زمان هم نیست. چشمهای ستایندگان به او می‌نگرند و در رواق هنرمندان فارسی‌زبان که ندای خود را در کلام غریب او بازمی‌شناسند مهمان است. او شمع ایران را در شب قطبی برافروخته است. همین آیا نوعی خوشبختی نیست؟

آرام، در شب بی‌ستاره‌اش، برای پرندگان دانه می‌ریزد. ما این دستهای ستاره‌افشان را، پیش از رسیدن بامداد خاکستری شهر «لوند» و پیش از آنکه در ادامه کار سترگش، قلم به دست گیرد یک لحظه می‌یابیم و می‌فشاریم. و همراه با پرندگانی که همچون واژگان سعدی شاد و شوخ و سبک پروازند می‌سراتیم: «زنده‌باد هرمه‌لین!»

فروردین ۱۳۷۲ - تهران

